یادداشت

سقف شیشه‌ای بر سر اشتغال زنان

سمیرا مهدوی
فعال اجتماعی حوزه زنان و کودکان

امروزه در کشـــوری که مدعی تعامل زن و مرد در اجتماع هســـتیم، هنوز هم هســـتند مردانی که اگر زن باشی و در شـــرکت‌های دولتی‌وار مشغول به‌کار باشی، کافی است تا تو را همچنان «ضعیفه» بخوانند، همچنان در حضورت حرف‌های شرکتی را هم قطع کنند و تو تنها زنی باشی که در واحد شرکتی بزرگ مشغول به‌کار باشی. در لیست ارتقای شغلی گنجانده نشوی مبادا که زن بودنت معذوریتی برای مدیر واحد زن‌ستیزت داشته باشد. بدتر آن که در کارزار انتخاباتی کشورت سهمی داشته باشی و حقت را طلب کنی ولی در محل کار هنوز هم نیـــروی زن را در مقابل نیروی مرد معاوضه کنند و آن هم در واحدی که حتی بهانه کاریدی و سخت مردانه در آن جایگاهی ندارد، خودت بدانی بهانه‌شان زن بودنت باشـــد که واحدت مردانه بماند و حضورت، مردان همکارت را و مدیر زن‌ستیزت را معذب نکند.

جـــای دوری نیســـت، راه دوری نیســـت؛ خیلی از شرکت‌ها و ســـازمان‌ها که اســـمش به گوشمان آشناست، هنوز دسته‌بندی براساس مرد و زن بودن در تمدید قراردادشان موثر است. این نوشتار به‌صورت توصیفی سعی در شناسایی عوامل موثر بر ایجاد سقف شیشـــه‌ای در ســـازمان ها را دارد که در این امتداد، تسلط دیرینه مردان بر ساختارهای اداری را به مثابه مهم‌ترین عامل در ایجاد سقف شیشه‌ای مدنظر قرار داده است.

امروز واقعیت‌هانشان می‌دهد که همواره نقش زنان در توسعه جوامع نادیده گرفته شـــده است. با وجود این که زنان حدود نیمی از منابع انســـانی سازمان‌ها را تشـــکیل می‌دهند، اما هنوز نحوه رفتار سازمان‌ها با آنها جای تامل بســـیار دارد. به‌خصـــوص با توجه به تمایل بیشـــتر زنان به ادامه تحصیل و اشتغال در سازمان‌های دولتی، هرگونه بی‌عدالتی پذیرفته شده علیه آنها ممکن است بر بهره‌وری نیمی از نیروهای کار سازمان‌ها اثر منفی داشته باشد.

در ســـال‌های اخیـــر افزایـــش قابـــل توجهی در میزان اشتغال زنان در جامعه مشـــاهده شده است. نابرابری‌های جنسیتی به‌ویژه در حوزه مدیریتی سبب شده تا آن‌گونه که شایسته است از نیروی بالقوه زنان استفاده نشود. هر چند تحقیقات نشان می‌دهد زنان کمتر از مردان، جاه‌طلب و خواهان پیشرفت نیستند، اما باورهای نادرستی که مدیریت را به مردانگی نسبت می‌دهد، عملا منجر به کم شدن مدیران زن می‌شود، بنابراین وجود نوعی مانع نامریی به نام سقف شیشه‌ای بسیار بارز است.

همیشـــه در طول تاریخ تصورات قالبی مربوط به مرد بودن و قدرت رهبری با هم تداعی می‌شـــود. به همین دلیل، اگر مردان حتی در مشـــاغل مربوط به زنان نیز وارد شوند، حالت عکس اثر سقف شیشه‌ای پدید می‌آید، یعنی گرایش به این است که مردان را با یک پله برقی شیشه‌ای به بام سقف شیشه‌ای برسانند. به محض ورود آنان به این مشـــاغل، آنها به سرعت به ســـمت‌های مدیریتی و اجرایی می‌روند. بهترین کار در این زمینه این است که زنان به این باور برسند که توانمندند و مردان نیز توانایی‌های زنان را جدی بگیرند. حتی در ادارات نیز به نوع مدیریت زنان اهمیت داده شود تا شاهد بهبود باور زنان جامعه در مورد خودشان باشیم.

در تقسیم نیروی انسانی سازمان‌ها، زنان به حاشیه رانده می‌شـــوند و پیشـــرفت آنان برای ســـایر افراد بی‌اهمیت تلقی می‌شود و حتی گاهی دستیابی آنان به درجه‌های بالاتر، عجیب و دور از تصور انگاشـــته می‌شود، زیرا تصور غالب این اســـت که آنان باید در حاشیه باشند و هرگز نباید در رأس قرار بگیرند. مرور نوشته‌های تحقیقی درباره استعاره سقف شیشه‌ای نشـــان می‌دهد که این مفهوم دلالت بر وجود مانعی غیرقابل نفوذ دارد که در بیشتر سازمان‌ها، بدون اعتبار قانونی و صرفا بر حسب توافق‌های ضمنی و نانوشته از ارتقای زنان در سازمان، ممانعت به عمل می‌آورد.

امروزه شمار زیادی از زنان جامعه بدون پی بردن به نابرابری موجود به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند، با این تصور که شرایط باید این گونه باشد. جالب آن که این واقعیت نابرابر، زمانی موجب احساس نابرابری در آنها می‌شـــود که آنان از طریق تحصیل در دوره‌های عالی و در پی آن آگاهی از حقوق خود و شرایط دیگر زنان جامعه، بـــه نوعی خودآگاهـــی از وضع موجود می‌رسند (دهنوی و معیدفر، ۱۳۸۴: ۵۲).

با وجود حضور مثبت و روزافـــزون زنان در جامعه، متاسفانه جایگاه زنان در جامعه هنوز در امتداد همان وظایفی است که جامعه مردسالار به زن تفویض کرده است. از آن‌جا که نابرابری‌های شـــرایط میان زنان و مردان در همه عرصه‌های مختلف جامعه قابل رویت است و با توجه به این که امروز موفقیت و پیشرفت هر جامعه در گرو استفاده از تخصص‌های موجود در آن است، پس اتخاذ تدابیر علمی و برنامه‌ریزی‌های لازم و مقتضی و تسهیل شرایط ورود برای حضور و بقای زنان در جامعه باید در نظر گرفته شود و گروه‌های مصلح، باید موضع‌گیری مناسب‌تری نسبت به حضور زنان در جامعه به‌عنوان نیمی از جمعیت آن در نظر بگیرند.

منابع:

شادی طلب، ژاله؛۱۳۷۹؛ مدیریت زنان در کنگره زن، دانشـــگاه، فردای بهتر، تـــوان: مطالعات زنان شماره۱. ۷

اسفیدانی، محمدرحیم؛۱۳۸۱؛ بررسی موانع حضور زنان در پست‌های مدیریتی قوه مجریه (وزارتخانه‌های مستقر در تهران)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

احمدی، حبیب؛ سعیده گروسی؛ ۱۳۸۳؛ «بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعـــی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شـــهر کرمان و روستاهای پیرامون آن»؛ تهران، فصلنامه مطالعات زنان، سال دوم، شماره۶

دهنوی، جلیل؛ ســـعید معیدفر؛۱۳۸۴ «بررسی رابطه نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو»؛ مطالعات زنان، سال سوم، شماره۷

در نشست نقد اجتماعی با عنوان مرگ چهره‌ها و امر پزشکی مطرح شد

گَرد فراموشی بر رابطه پزشک و بیمار

یوسف اباذری، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران: پزشک مهم‌ترین رابطه‌اش با بیمار را از دست داده است

پزشکان به سمتی رفته‌اند که برای درمان تنها به عکس و آزمایش‌ها توجه دارند نه خود بیمار

عکس: شهروند

شـــهروند| قرار بر این بود تا درباره مرگ چهره‌ها صحبت شود و نقدی باشد بر مرگ سلبریتی‌ها و امر پزشـــکی. اما ماجرا به جاهای دیگری ختم شد و پای ارتباط پزشک و بیمار و شرایطی که در نظام سلامت حاکم است، هم به میان آمد. از یک سو جامعه‌شناسان و از دیگر سو، پزشکان در مقابل هم قرار گرفتند و یکی در نقد و دیگری در دفاع صحبـــت کردند. مهم‌ترین موضوع هم حول محور کمرنگ‌شدن ارتباط پزشک و بیمار چرخید. نشست نقد اجتماعی مرگ چهره‌ها و امر پزشـــکی، بعدازظهر روز سه‌شنبه، از سوی گروه جامعه‌شناسی پزشکی و سلامت انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد. یوسف علی اباذری، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اجتماعی دانشـــگاه تهران، ارسیا تقوا عضو کمیته رســـانه انجمن علمی روانپزشکان ایران، فرزانه طاهری نویســـنده و مترجم، بابک قرایی‌مقدم متخصص جراحی مغز و اعصاب و ابوعلی وداد هیر عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران سخنرانی‌هایش بودند. ســـخنرانی‌هایی که موضوع را به چالش کشیدند و خود هم وارد گود چالش شدند. یوسف اباذری، در این نشست، انتقادهای مستقیمی به ماجرای ارتباط پزشک و بیمار و دانش پزشکان وارد کرد که در مقابل با واکنش دیگر سخنرانی‌ها همراه شد.

واکنش مردم به مرگ سلبریتی‌ها انکار است

ارســـیا تقوا روانپزشک و عضو کمیته رسانه انجمن علمی روانپزشـــکان ایران نخستین کســـی بود که در این نشست ســـخنرانی کرد و صحبت‌هایش را با این جمله که «رسانه‌ها مرگ ســـلبریتی‌ها را جدی می‌گیرند» شروع کرد: «نخســـتین واکنش مردم به مرگ ســـلبریتی‌ها انکار اســـت، چرا که نمی‌تواننـــد بپذیرند، آن فردی که چهره است، دچار مرگ شده، به همین دلیل براساس یک مکانیزم دفاعی ســـعی می‌کنند برایش توجیهی پیـــدا کنند.» او منطقی‌ترین واکنـــش به مرگ ســـلبریتی‌ها را مواجهه مردم با از دست‌دادن هادی نوروزی، بازیکن فوتبال، عنوان کـــرد: «در ارتباط با درگذشـــت عباس کیارستمی، ایـــن اتفاق نیفتاد، مـــا خیلی یاد نگرفته‌ایم که با مرگ چهره‌ها چگونه روبه‌رو شویم.» این روانپزشک از این که پوستر جشنواره فیلم فجر، به جای عکس عباس کیارستمی، تصویر علی حاتمی را استفاده کرده بود، انتقاد کرد و گفت: «ما حتی خودمان هم نخواستیم برای مرگ کیارستمی، عزاداری کنیم، باید خودمان را آماده کنیم که به شیوه درست برای این افراد ناراحتی‌مان را نشان دهیم.»

> **نخستین واکنش مردم به مرگ سلبریتی‌ها انکار است، چرا که نمی‌توانند بپذیرند، آن فردی که چهره است، دچار مرگ شده به همین دلیل براساس یک مکانیزم دفاعی سعی می‌کنند برایش توجیهی پیدا کنند**

بابک قرایی‌مقدم، متخصص جراحی مغز و اعصاب نفر بعدی بود که میکروفن مقابلش قـــرار گرفت. به گفته او، زمانی که چهره‌ای، بر اثر یک بیماری جانش را از دست می‌دهد، توجه مردم نسبت به آن بیماری جلب می‌شود. قرایی‌مقدم در همین ارتباط به ماجرای مرگ ژوزف اســـتالین (رهبر و سیاستمدار شوروی) اشـــاره کرد: «آنچه در گزارش‌ها آمده، نشان می‌دهد که ظاهرا پزشکان ۱۲ ســـاعت دیر بر بالین استالین رسیده‌اند، بعد از مرگ او، نتیجه کالبدشکافی نشان داد که او مبتلا به ســـیروز کبدی بوده، آن زمان کسی نمی‌دانست سیروز کبدی چیست و همین هم منجر شد تا خیلی‌ها توجه‌شـــان به این بیماری زیاد شود، هر چند که آن زمان این احتمـــال را دادند که او بر اثر استفاده از مرگ موش و در ادامه آن خونریزی مغزی جانش را از دست داده اســـت.» او ادامه داد: «زمانی که فرد معروفی جانش را در اثر یک بیماری از دســـت می‌دهد، مردم می‌خواهند چیزهای بیشتری درباره آن بیماری بدانند، ما چهره‌های معروفی در دنیا داشتیم که قربانی سرطان لوزالمعده یا حتی پانکراس شده‌اند، مردم به‌عنوان افکار عمومی در این شرایط می‌خواهند سر از آن بیماری دربیاورند.» این متخصص جراحی مغز و اعصاب در ادامه صحبت‌هایش به مناسبات میان پزشـــک و بیمار پرداخت و آن را به ماجرای مهاجرت ارتباط داد: «در حال حاضر تفکری که در میان جامعه جوان و میانسال ایران وجود دارد، مهاجرت است؛ چه کسی که از روستا می‌خواهد به شهر بیاید، چه کسی که به فکر مهاجرت از شهری به شهر دیگر و حتی به کشور دیگر اســـت. مدام این فکر وجود دارد که افراد می‌خواهند مهاجرت کنند، این موضوع پایایی ارتباط میان پزشـــک و بیمار را مختل می‌کند، پزشک برای این که بتواند با بیمار ارتباط انسانی برقرار کند، باید در جایی پایا باشد، این ماجرا تنها در چرخه درمان مورد توجه نیست، در تمام مشاغل همین است، این اتفاق منجر می‌شود تا پزشکان، تنها به فکر انجام کار باشند و به داشتن ارتباط مالی بیندیشـــند، در حال حاضر به دلیل وجود همین تفکر، درصـــد زیادی از جامعه پزشکی بلاتکلیف هستند.» قرایی‌مقدم معتقد است که یک پزشـــک باید به بیمارش احساس مسئولیت داشته‌باشد.

همدلی مردم با طنزهایی که درباره صنف پزشکان ساخته می‌شود، از کجا آمده؟

در ادامه این نشســـت، فرزانه طاهری، نویســـنده و مترجم هم حضور داشـــت. او با انتقاد از روند درمان همسرش، زنده‌یاد هوشنگ گلشیری، از مواضع بالای برخی پزشکان در مواجهه با بیماران گلایه کرد: «در همین جلسه باید رابطه پدرسالارانه پزشک که بیمار را کودک ناقص‌العقلی تصور می‌کند، گوشـــزد کرد، باید شرایطی فراهم شود که بیمار، پزشک را به چشم معجزه‌گر نبیند، اصلاح این موضوع، منجر به کم‌شدن شکایت‌ها و نارضایتی بیماران می‌شود.» او ادامه داد: «زمانی که ماجرای خطای پزشکی عباس کیارستمی، کارگردان ایرانی، مطرح شد، پزشکان گفتند که به شأن آنها اهانت شده، گفتند مشکلات‌شان زیاد است، گفتند که بیمه‌ها تعرفه‌های درمـــان را پرداخت نمی‌کنند، پزشک ناچار است در روز چندین و چند بیمار را ویزیت کند. اما فراموش کردند بگویند کـــه بیمار حق دارد که در چشم پزشک، مهم‌ترین فرد باشد، این وظیفه قانونگذار و دســـت‌اندرکاران نظام درمان است که اگر پزشکان ناراضی هستند، سیستمی را ایجاد کنند تا میزان ویزیت بیمار در یک روز، کم شود.» و این سوال را مطرح کرد که «آیا خود پزشکان از خود نپرسیده‌اند که این همه همدلی مردم بـــا طنزهایی که درباره صنف‌شان ساخته و گفته می‌شود، از کجا آمده؟»

ایرانیان خوش‌شان می‌آید بیمار باشند

یوسف‌علی اباذری، عضو هیأت علمی دانشـــگاه علوم اجتماعی دانشـــگاه تهران، میهمان ویژه این نشست بود. او با این مقدمه که «هیچ آمادگـــی برای حضور در این نشســـت ندارم و از قبل چیـــزی برای گفتن آماده نکرده‌ام»، حرف‌هایش را شـــروع کرد: «سوال من این است که اصولا چرا ایرانیان دوست دارند بیمار باشند؟ آنها خوششـــان می‌آید بیمار باشند و به قول هانس کاستورپ، شخصیت اصلی رمان کوه جادو اثر توماس مان که در بخشـــی از کتاب گفته بود «این‌جا برای مریض شدن خوب است» ظاهرا مملکت ما هم برای مریض شدن خوب است. بیمار شدن در کشور ما چیز رمانتیکی است، همه یا دوست دارند بیمار شوند یا وانمود می‌کنند که بیمارند، چرا؟ چون آدم بیمار آزاد است، چون وقتی بیماریم مسئولیت‌ها از روی دوشمان برداشته می‌شود.» او در ادامه حرف‌هایش به درگذشت عباس کیارستمی اشاره کرد: «پزشکان گفتند که ما ایشان را نمی‌شناختیم؛ این خودش دو نکته دارد، یکی این که اگر کیارستمی را می‌شناختند، به او رسیدگی بیشتری می‌کردند و چون فکر کردند که آدم معمولی است، به او رسیدگی نشـــد. دوم کسی که این حرف را زده، به‌طور مطلق از فضای فرهنگـــی ایران دور بوده است.» اباذری معتقد است که پزشکان از نظر اطلاعات عمومی در پایین‌ترین سطح قرار دارند: «ما خودمان را دست افرادی می‌سپریم که اطلاعات کافی از فضای فرهنگی کشـــور ندارند، البته نمی‌توانیم این موضوع را به همه تعمیم دهیم. هستند پزشکانی که فلسفه و عرفان می‌خوانند و آگاه به مسائل کشور هستند.» این جامعه‌شـــناس، ارتباط میان پزشک و بیمار را به دو بخش تقسیم می‌کند: «یکی رابطه دارومحور است که بازمانده دوران روشنگری است. در این نگاه، حرف بیمار مهم نیست و این پزشک است که با دارو سلامتی را به بیمار برمی‌گردانـــد. اما در کنار آن، بیمارمحوری قرار می‌گیـــرد که نتیجه جنبش‌های جدید اســـت. هدف این جنبـــش تجدید نظر در نگاه به پزشـــکی است. گفت‌وگوی بیمار و پزشک، ارتباطی به اخلاق ندارد، برای شناسایی بیماری و آغاز روند درمان است. از آنجایی که بسیاری از پزشکان از طریق دارودرمانی بیماران را کشته‌اند، پس بهتر است که بروند به سمتی که با بیمار گفت‌وگو کنند. متاســـفانه در حال حاضر، پزشکان به سمتی رفته‌اند که برای درمان، بر مبنای انسان‌رفتار نمی‌کنند، تنها به عکس و آزمایش‌ها توجه دارند و آن را معیار قضاوت قـــرار می‌دهند، به همین علت اســـت که به حرف بیمار گوش نمی‌دهند. اینها سیستم درمان آمریکایی است. در آمریکا هم همین شرایط حاکم است، اما در ایران به شکل اغراق‌شده‌ای استفاده می‌شود.»

پزشک مهم‌ترین رابطه‌اش با بیمار را از دست داده است

به گفته اباذری، پزشـــک ایرانی فراموش کرده که باید تجربه‌ای با بیمار داشـــته باشـــد. در گذشته هر محله یک پزشک داشـــت؛ آن پزشک گذشته و حال و هر چه بر فرد رفته بود را می‌دانســـت، حالا هر کس دچار سرماخوردگی ساده‌ای هم که می‌شود، می‌رود سراغ پزشک متخصص؛ همین هم می‌شود تا مطب این پزشکان شلوغ باشد. او معتقد است که بسیاری از ام‌آر‌آی‌هایی که برای بیماران تجویز می‌شود، بیهوده اســـت: «از نظر من ۹۰ درصد ام‌آر‌آی‌ها بیهوده است و بی‌جهت مردم را زیر اشعه‌های سرطانزا می‌فرستند. پزشـــک مهم‌ترین رابطه‌اش با بیمار را از دست داده و همه را به ماشین سپرده است.»

مشکل ما با ساختار پزشکی است نه خود پزشکان

پس از پایان صحبت‌های وداد هیر، ارســـیا تقوا به ســـخنرانی اباذری انتقاد کرد. انتقاد او به آن بخش از صحبت‌های این جامعه‌شناس بود که گفت «پزشکان هیچ چیز از فضای فرهنگی جامعـــه نمی‌دانند، آنها کاملا از فضای فرهنگی بی‌خبرنـــد و ...» او ادامه داد: «نباید برویم به سمتی که بگوییم من خوبم و دیگری نمی‌فهمد. نتیجه آن، ترس از افراد می‌شود. فراموش نکنیم که در بخش پزشـــکی، اگر بخواهیم از کسی شکایت کنیم، می‌توانیم شکایت‌مان را هم به دادسرای عمومی ببریم، هم پزشکی قانونی و هم سازمان نظام پزشکی. هر کدام متولی یک بخش هستند. کجای دنیا به این شکل است؟ من همان ابتدای صحبت‌های‌مان گفتم آن زمان که به جای پوستر کیارستمی از پوستر علی حاتمی در جشـــنواره فیلم فجر اســـتفاده شد، هیچ کس فریاد نزد، اینها تب است که فروکش می‌کند. ما از جامعه‌شناسان می‌خواهیم که قصورات را ببینند اما نروند به سمتی که تو خلافکاری. تو نمی‌فهمی و...»

اما یوسف اباذری این واکنش را بدون جواب نگذاشت و با کمی برافروختگی خطاب به او پاسخ داد: «اشتباه شما این اســـت که موضوع را شـــخصی می‌کنید. ما مشکل‌مان با ساختار پزشکی است نه با خود پزشکان. همان‌طور که گفتم من دوستانی دارم که اهل تفکر، فلسفه و عرفان هستند. ما به شرافت افراد کاری نداریم. من از ساختار ایراد گرفتم. پزشک می‌تواند مثل هر فرد دیگر، خوب یا بد باشد، اما او در درون یک ساختار کار می‌کند. من نه به شمار کار دارم نه به دوستان پزشک خوبم. حمله من به پزشکان نبود، به ساختار پزشکی بود، ساختاری که وزیر بهداشـــت هم از آن دفاع می‌کند.» او ادامه داد: «این همان ساختاری است که جلوی ساخته شدن یک سریال طنز را می‌گیرد، حرفه پزشـــکی به ابن ســـینا و فلسفه و اخلاق برمی‌گردد، اما با کوچکترین انتقادی چنان از کوره درمی‌رود که انگار جزو مقدسات است.» در همین جا هم تقوا پاسخ داد: «مـــن موافق تقدس زدایی از پزشکی هستم.»

> **ساختار پزشکی ایرادی ندارد، اما پزشک هم حق ندارد قبل از این که از بیمار شرح حال بگیرد، عکس و آزمایش را ببیند. اما معمولا این کار را نمی‌کند، چون باید مریض‌های دیگری را ویزیت کند، آن کسی که با وجود رفتار پدرسالارانه، نزد پزشکی می‌رود رفتارش را تایید می‌کند**

از آن طرف، بابک قرایی مقدم ایـــن توضیح را داد: «ساختار پزشـــکی ایرادی ندارد، اما پزشک هم حق ندارد قبل از این که از بیمار شرح حال بگیرد، عکس و آزمایش را ببیند. اما معمولا این کار را نمی‌کند، چون باید مریض‌های دیگری را ویزیت کند، آن کسی که با وجود رفتار پدرسالارانه، نزد پزشکی می‌رود، درواقع رفتارش را تأیید می‌کند. هر چند که رفتار پدرسالارانه بایـــد در رابطه میان پزشـــک و بیمار از میـــان برود. جامعه‌شناسان باید به جامعه پزشکی کمک کنند، باید سیستم کیفی درمان که تبدیل به سیستم کمی شده، تغییر کند.»

نظام سلامت از پزشکی شدن مضاعف رنج می‌برد

ابوعلی وداد هیر، عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران سخنران دیگر این نشست بود. او به وجود ســـه نوع نظام سلامت در کشور اشاره کرد؛ دموکراتیک، حرفه‌ای و بازاری: «به نظر می‌رسد نظام ســـلامت ایران به یک نظام آمریکایی شبیه‌تر است و از پزشکی شـــدن مضاعف رنج می‌برد. حالا در این میان، مرگ یکی از چهره‌ها هم به این ماجرا دامن می‌زند.» به گفته او، شرح حال بیمار، کم‌اهمیت‌ترین و ناچیزترین بخش اطلاعاتی است که مورد اســـتفاده قرار می‌گیرد: «این را فقط ما نمی‌گوییم، خود پزشـــکان هم می‌گویند، اصولا نه‌تنها تجربـــه نادیـــده گرفته می‌شـــود که حتی سانسور هم می‌شـــود. گاهـــی در مـــواردی مانند زایمان ســـزارین، مداخله پزشـــکی به‌گونه‌ای است که ما فکر می‌کنیم ایـــن یک موهبت اســـت در حالی که سانسور کردن یک تجربه اســـت، تجربه‌ای که مادر با زایمان طبیعی می‌تواند به دســـت آورد. ما در نظام سلامت و مراقبت‌های پزشکی، نه‌تنها جایی برای تجربه، بلکه حتی جایی برای فرهنگ هم نداریم.» او ادامه داد: «اگر قرار است برقراری رابطه میان پزشک و بیمار را براساس زیست جهانی به پزشکان آموزش دهیم، چاره‌ای جز این نداریم که چیزی به‌عنوان امنیت فرهنگی را رواج دهیم. ما تنوع را در میان افراد داریم. ما نمی‌توانیم خدمات زایمان را به همان صورت که به یک زن در تهران آموزش می‌دهیم به یک زن بلوچ هم آموزش دهیم. خدمات پزشکی باید به شکلی که افراد می‌خواهند به آنها ارایه شود، نه به آن صورت که ما فکر می‌کنیم درست است.»

میز خبر

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

۳۰ اسفند «تعطیل» است

شهروند| وزارت تعـــاون، کار و رفاه اجتماعی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: روز ۳۰ اســـفندماه جزو تعطیلات رسمی کشور است. در متن این اطلاعیه آمده: «به اســـتناد لایه قانونی تعیین تعطیلات رسمی کشور- مصوب ســـال ۵۹ شورای انقلاب جمهوری اســـلامی ایران و اصلاحات بعدی آن «۲۹ اسفند تا ۴ فروردین» جزو تعطیلات رسمی کشور منظور شـــده اســـت؛ قطع نظر از تفسیر باطنی موضوع که تعطیلی روز سی‌ام اسفندماه را ایجاب می‌کند، نظر به این که در سال‌های کبیسه اسفندماه ۳۰ روزه بوده و روز سی‌ام اسفندماه نیز در بازه تعیین شده (۲۹ اسفند تا ۴ فروردین) قرار می‌گیرد، بنابراین با تفسیر لفظی و منطقی نیز بر طبق قانون یادشده روز سی‌ام اسفندماه همواره جزو تعطیلات رسمی کشور به شـــمار می‌رود. درصورتـــی که کارگری دراین روز در کارگاه به کار اشتغال یابد، با لحاظ مقررات ماده (۵۹) قانون کار، ســـاعات کار او جزو ساعات انجام کار اضافی محسوب و به استناد ماده مزبور مشمول دریافت فوق‌العاده اضافه‌کاری خواهد بود.»

مدیرکل ثبت آثار تاریخی کشور خبر داد:

ثبت‌ملی ۳۲ هزار اثر غیرمنقول

ایسنا| مدیرکل ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی کشـــور گفت: «یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار اثر دراین شـــرایط ثبت‌ملی را دارنـــد.» فرهاد نظری در چهارمین کنگره تاریخ معماری استان البرز که در باشـــگاه فرهنگی میلاد برگزار شد، گفت: «تاکنـــون حدود ۳۲ هـــزار اثر غیرمنقول کشور درفهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. در جای‌جای کشـــور آثار منقـــول و غیرمنقول زیادی وجود دارد که به دلایلی هنوز به ثبت‌ملی نرســـیده‌اند.» این مســـئول توضیح داد: «طبق بررســـی‌های انجام‌شـــده در حال حاضر بیش از یک‌میلیون و ۲۰۰ اثر در کشـــور وجـــود دارد که شرایط ثبت‌ملی را دارند.» او با اشاره به شناسایی هـــزار اثر معمـــاری تاریخی افـــزود: «گروهی از محققـــان معماری و شهرســـازی هـــر کلمه و اصطلاحی که مربوط به مرزهای ایـــران از دوره ساســـانی تا دوره صفوی بود، درقالب مفاهیم و عناوین معماری استخراج کردند. پس از این کار هزار اثر معماری تاریخی در کشور شناسایی شد.»

مدیرکل ثبت آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی کشـــور دربخش دیگری از صحبت‌های خود به نبود تاریخ‌نویسی معماری در کشور اشاره کرد و گفت: «نبود تاریخ‌نویسی معماری در کشور باعث مشکلاتی دراین حوزه شده اســـت. بدون شک برگزاری چنین کنگره‌هایی می‌تواند دایره تاریخ معماری ایران را گسترش دهد.»

او ازسوی دیگر، با اشـــاره به گردآوری عناوین معماری و شهرسازی کشور گفت: «عنوان‌های معماری و شهرسازی کشـــور درقالب دو دسته اصطلاحات و علامت توسط محققان از کتاب‌های فارسی از سال ۱۳۰۲ تاکنون استخراج و گردآوری شده‌است.»

جدول شماره ۱۰۷۳

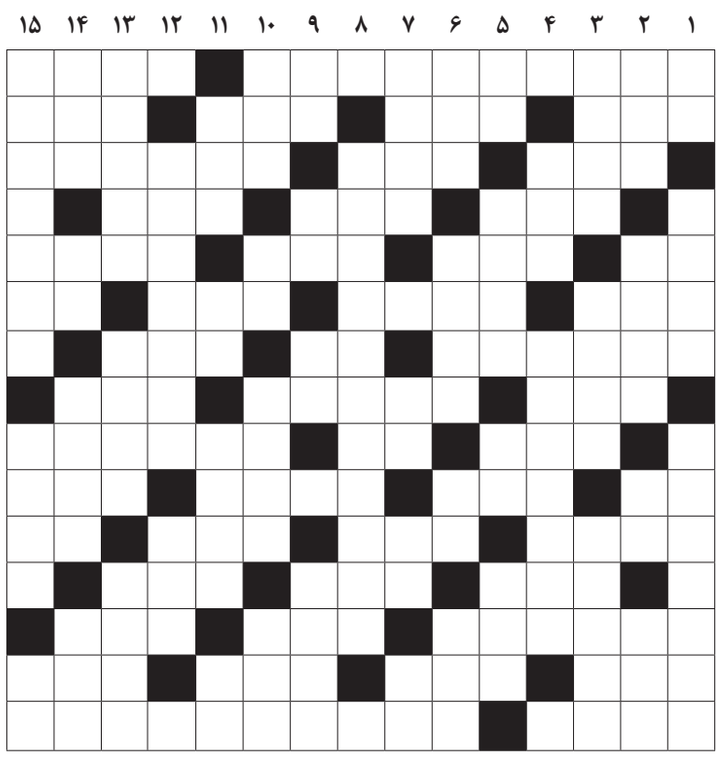

افقی

۱-توطئه‌چینی کردن-خواهش‌والتماس
۲-شهر شب فرانسه- واحد شمارش چینی‌جات- سیلاب-ناامید
۳-کندوی زنبور عسل-چرک و کثافت-واحدی در سنجش برق‌فشار قوی
۴-شهری در اســـتان اردبیل- جایگاه قرآن هنگام تلاوت-یخ
۵-گشـــوده-اســـب قهوه‌ای رنـــگ-مرگ‌ومیر- توبه‌کننده
۶-وطن و میهن- بشـــارت و مـــژده-عنوانی برای پیشوایان مذهبی دین یهود-ویتامین انعقاد خون
۷-شهر صیفی‌جات استان تهران- حمله نظامی- کوچک‌ترین واحد هر عنصر
۸-گویش افاغنه-کشاورز-زادگاه حضرت ابراهیم
۹- جایزه ورزشـــی- ماه کم‌حرف- دیواره‌ای برای جلوگیری از امواج دریا
۱۰- نوشیدنی گوارا- ســـلاح مار- تنگه و گلوگاه- جوهربدن
۱۱- یک‌ششم ملک- کشور دو تکه-خروس تازی- بازی‌نفسگیر
۱۲- هوش و حافظه- باز آی و دل تنگ مرا مونس... باش-دورویی
۱۳-اتحاد و همبستگی-اهلی-قانون دینی
۱۴-گل‌سرخ-سگ‌بیمار-گاو تبتی-برابر و مقابل
۱۵-آبزی معروف-باعث و بانی

عمودی

۱- بر رودخانه می‌بندند- نامی برای شانه‌به‌ســـر- فلزی‌برای‌ساختن‌آلیاژهای گوناگون
۲-اســـتراحت زمین زراعی برای حاصلخیزشدن خاک-جنگ و نبرد-آش-بنده و غلام
۳-صحنه‌ای از فیلم-شعله‌بی‌دود-فرزنده‌زاده
۴-امیدش در آفریقای جنوبی است-حدوسط
۵- محکم کردن- گرویی- شـــراب شاعرانه- نقش طبیعی چوب‌وسنگ
۶- خوردنی بعد از غذا- روش و طریق- راهی است برای رسیدن به حقیقت-گل خوشبو
۷- پوســـتین دوز- ضربه ســـر درفوتبـــال- ردیف بافتنی-فرمان‌هنری
۸-ملقب به ملک‌الشعرا و از شاعران بنام کشور
۹- تپه- ســـرمربی آلمـــان- ویتامیـــن جدولی- برخوردار شدن
۱۰- خواب- نوعی شـــیرینی- علامت و نشـــانه- عروس نقره‌پوش آسمان
۱۱- نژاد- حرف همراهی- مهره مقتدر شـــطرنج- نوعی کُشتی
۱۲-نتیجه گرفتن-از مناطق آزاد کشور
۱۳- پشت‌سر- سلاح پرتابی- هفت موضع بدن که هنگام سجده به زمین می‌رسد
۱۴- پدربزرگ- فرمولی در مسابقات اتومبیلرانی- گنج-سوگ و ماتم
۱۵- دریافـــت معنـــی و مفهوم چیزی بـــا دقت و تیزهوشی-امپراتور نیمه‌دیوانه روم-خواهر شارلوت وامیلی برونته
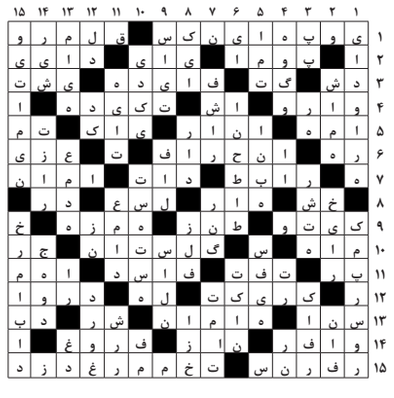
حل جدول شماره ۱۰۷۲